

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

گواه عشق

اگر سرفرازم کنی گاهگاهی
شوی روبرویم به بزمی، به راهی
دلَم شاد سازی به نیم نگاهی
به صبحی، بشامی، بروزی، به ماهی

دل از من ربودی، بت دلنوازم
به کسویت نیازم، به سویت نمازم
قدت را بگردم، رخت را بنازم
بود سجده گاهم چنین جلوه گاهی

ز بزم تو تا کی، چنین دور باشم
به چشم تو مقهور و منفور باشم
حقیر رقیبان مغرور باشم
مقابل شوم با چنین روسیاهی

پریچهره من ببین رنگ زردم
به پایت فتاده به مانند گردم
ز عالم بگردم، ز تو برنگردم

هجوم آورد غم آگر با سپاهی

هنوزم به بزم وفای او ره نیست
نصییم بجز روز سرد و سیه نیست
گر احوال زارم بپرسی گنه نیست
به یک نیمخندی، به نیم نگاهی

بت من! ز چشم خرامیده رفتی
چه پیش آمد امشب که رنجیده رفتی
سر دامن ناز برچیده رفتی
مگر دیدی از من، خطائی، گناهی؟

لبت تا بیوسم نفس بر لب آمد
به جان و تتم، غصه ای دیشب آمد
تن از درد لرزید، به جانم تب آمد
چه بخت خرابی، چه روز سپاهی

گر امشب ترا من، به مستی نبینم
دگر روی مستی به هستی نبینم
به عشقت بلندی و پستی نبینم
به حال گدائی، بر اورنگ شاهی

«اسیر» تو بودن، گناهی ندارد
دل از من گرفتن گواهی ندارد
طریق و فارسم و راهی ندارد
چه میخواهی از من دلیل و گواهی

(م. نسیم «اسیر»، بن - المان، اکتوبر ۱۹۹۵ ع)